

مبانی فقهی و حقوقی نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مجید سبزیکاران^۱، غلامحسین دلاور^۲، محمدرضا جواهری^۳

^۱دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
^۲استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: Gh.delavar@mshdiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

چکیده

اهمیت و جایگاه فرهنگ به عنوان زیربنا و ویتترین تمام یک قوم و ملتی نظام فرهنگی جمهوری اسلامی را هم شامل شده، در این رساله صرفاً بر موضوع نظام فرهنگی جمهوری اسلامی از منظومه ی فکری معمار آن امام خمینی متمرکز شده و تلاش کرده ام با بهره گیری از مجموعه آثار و سخنرانی های امام از سال ۴۲ و مقام معظم رهبری وشهدا و.. که بر گرفته از فرهنگ علوی وفاطمی است. خطوط کلی نظام فرهنگی را استخراج و در وسع خویش تجزیه و تحلیل کنم . وجوه اشتراک این نظام با دیگر نظام ها در دو چیز است: فرهنگ: همه ی فرهنگ ها مبتنی بر اعتقاد، نگرش وعاداتند وانسان محوری دومین وجه اشتراک اوست .اما افتراق آن فرهنگ جمهوری اسلامی تک است (علوی) وبدین جهت در قرآن نور تشبیه شده ونام صراط المستقیم گرفته و محوریت انسان در این نظام برپایه اعتقاد توحیدی است. نظام های دیگر(غیرعلوی) فرهنگ های گوناگونی دارند و بدان علت ظلماتند ومتعدد. ویژگی های جمهوری اسلامی در دو مقوله منحصر به فرد است با دیگر نظام ها تفاوت ماهوی در نگرش،مسیر وهدف دارد.گرچه پدیده ای است به ظاهر غریب ونوظهور است اما ریشه در عمیق ترین زمان ومکان دارد.باتوجه به آیات و روایات حتی ادعیه(زیارت وارث) دیده می شود که حسین Γ وارث علی ومحمد وموسی وعیسی،نوح و ابراهیم وآدم است و همه ی این انبیاء مسلمان بوده چون در قرآن بارها به وضوح گفته اندانا من المسلمین. حتی دشمنانی چون فرعون که حین جان دادن به مسلمانی اعتراف کرده و غربت جمهوری اسلامی هم از ابتدا بوده (الاسلام بدا غریباً و سیعود کما بدا) این نظام را هنگام تضاد با غیر خودش هیچ غم واندوهی نیست که (تَحَنُّنٌ لِّهٖ حَافِظُوْنَ) خدایش می خواهد که بماند که او حافظ است.

کلیدواژه: فقهی، جمهوری اسلامی، فرهنگ، حقوقی، نظام

مقدمه

نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اینکه پدیده ای منحصر به فرد وبه ظاهر نوظهور است دارای عمیق ترین و گسترده ترین باورهای توحیدی است که با کمی دقت نظر می توان ریشه ی این فرهنگ را در خلقت بشر و حتی قبل از آن یافت.به گونه ای که نه تنها دربرگیرنده تمامی فرهنگ ها (اعم از آسمانی وزمینی) است بلکه فرهنگی است جامع برای بشریت (الی یوم القیامه). پس فرهنگ همچون نخ تسبیح حلقه وصل دیگر ارتباطات ونظامات است وتمام هستی بشر را زیر چتر خود قرار می دهد.حتی به قول خسروپناه در صفحه ی ۴۵۸ منظومه فکری امام که می نویسد نظریه پردازان غرب صراحتاً معترفند که فرهنگ سکولار هم از مسیحیت نشات گرفته واگر مسیحیت منسوخ شود فرهنگ سکولار هم از بین خواهد رفت.بدین جهت می تواند گفت فرهنگ جمهوری اسلامی جامع برای بشریت است.متذکر شدیم که فرهنگ ویتترین ونماد یک ملت وقوم است و ذهنیات،آرمان ها وخواسته های انسان است که فرهنگ او را می سازد.تاریخ، نظام ها وفرهنگ های گوناگونی را تجربه کرده اما نظام جمهوری اسلامی با سه قید جمهوری، اسلام و ایران (اسلام اثنی عشر)وبه قول معمار انقلاب(اسلام ناب محمدی) برای اولین بار پس از ۱۲قرن توانسته چنین ظهوری داشته باشد و تمامی فرهنگ ها از شرقی وغربی،مکاتب آسمانی وفرهنگ مکاتب بشری که ساخته نظریه پردازانند که اعتقادات و نگرش است که پایه فرهنگ ها است اما تشیع فرهنگ را به دویخش حق وباطل تقسیم می کند که اولی را همان نور و صراط المستقیم نامیده و فقط یک رهبر ومسیر دارد و بقیه فرهنگ ها را ظلمات نام گذاشته که رهبرانش متعدد وراهپایش بسیار و همه را گمراه خوانده است.براساس بینش تشیع فرهنگ مطلوب آن است که زمینه ساز حرکت فرد واجتماع به سوی کمال حقیقی باشد.بدین جهت معمار انقلاب در تعریف فرهنگ چنین می گوید « فرهنگ مبدا همه ی بدبختی ها وخوشبختی ها است و آن چیزی که ملت ها را می سازد فرهنگ صحیح است »

تعریف نظام

مجموعه ای است دارای اجزای مرتبط به هم و نیز هدفمند پس یک نظام در عین هدفدار بودن دارای اجزایی است که بین آنها ارتباط است . (ایروانی، ۱۳۸۳، ۱۰۵)

نظام اسلامی

همان طور که امام خمینی فرمودند: «من به جمهوری اسلامی رای می دهم نه یک کلمه بیش نه یک کلمه کم»، شکل و سیستم این حکومت، «جمهوری اسلامی» می باشد کلمه «جمهوری»، شکل حکومت را مشخص می کند و کلمه «اسلامی» محتوای آن را. جمهوری، مستلزم نوعی دموکراسی است؛ یعنی مردم حق دارند سرنوشت خود را در دست بگیرند و با این واژه، برخی از انواع حکومت ها همچون موروثی، سلطنتی و... نفی می شود، اما این بدان معنی نیست که مردم خود را از گرایش به ایدئولوژی و مکتبی معاف باشند. کلمه اسلامی می رساند که حکومت با قوانین اسلامی اداره شود. برخی اقلیت بانظریات خاص مایل به حذف کلمه «اسلامی» بودند به این بهانه که حاکمیت مطلق باشد تا بتوانند در باره قوانین اثنی عشر اعتراض کنن . (امامی، ۱۳۷۹، ۲۰۵) عده ای هم می گفتند: «جمهوری دموکراتیک اسلامی»، وقصدشان از دموکراتیک، آزادی های مکاتب غربی بود اما معمار انقلاب با تمام درایت بی نظیر خویش که سالیان سال در پی تشکیل نظامی علوی و فاطمی بود، تمامی این توطئه ها را با جمهوری اسلامی نه... در ریشه خشکانید. (توسلی، ۱۳۷۵، ۱۸۱)

جمهوری اسلامی

حرکت انسان در گذر زمان و شرایط متعدد، گاهی درست و گاهی انحرافی است و در تاریخ اسلام جریانات و مصادیقی دچار افراط و تفریط گشته اند و از آنجا که زمان که دائما متغیر است و در هر برهه اقتضایی دارد؛ از منظر مکتب جعفری پسند و ناپسند غیر خدا هرگز ملاک نبوده، و علی ع می فرمایند: لا تَسْتَوُوا حَسْبُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ و زمان است که باید خودش را بر اسلام منطبق کند، نه این که اسلام با پسند زمان منطبق شود . (حکیمی، ۱۳۶۸، ۲۲۲) انسان جهت نیل به تمایلات، خویش که محور فکر و فعالیت های اوست نیازمند ابزار و وسایلی نو و به روز است که در هر عصری فرق میکنند.

آفات نظام

آفات مخرب و حتی بنیان کن حکومت دینی از سه ناحیه رهبران، مردم و دشمنان است که قسم دوم و سوم این آفات نیز بی ارتباط با اولی نیست.

آفت اول: انحراف متولیان از اهداف و رجوع به اشرافی گری و دیکتاتوری آنجا که علی ابن ابی طالب در خطبه معروف شششقیه می فرماید «... خلیت الدنیا فی أعینهم و راقیم زبرجها» دنیا در چشمشان شیرین شد و زر و زیور آن فریب شان داد و خامشان کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۳، ۱۵۳) باتوجه به حدیث گهربار و نغز « حبُّ الدنیا راسُ کلِّ خطیئته » که می فرماید دل بستگی و عشق به دنیا، منشا تمام خطاها و گرفتاری هاست، گرچه مخاطب در روایت عام است ولی با کمی دقت و تأمل در دیگر آیات و روایات به وضوح می توان دریافت که مخاطب روایت بیشتر متوجه خواص و نقش پررنگ آنها در ایجاد، دوام و سقوط یک حاکمیت است. وقتی رهبران و متولیان اصلی خدامحوری، پاکدامنی و خدمت به جامعه را فراموش کرده و دنیا زده و قدرت طلب، جناح نگر و خانواده گرا شوند از درون ضعیف شده و این مفسد قدرت رویارویی با فرصت طلبان را از آنها سلب کرده و ناتوان از اصلاح جامعه گردند. نه تنها حمایت مردم را از دست می دهند بلکه جامعه را در فاز انتقام گیری انداخته تا در یک فرصت مناسب آنها را کنار زنند. او با تغییر حاکمیت، کم نیست که دنیا طلبی، فساد و دیکتاتوری سران، مردم را وادار به سرنگونی رهبرانی کرده که خود با صرف هزینه های گزاف جانی و مالی بر سرکارشان آورده اند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ۲۱۰) معمار انقلاب تاکیدات فراوانی در این باب داشته اند که به گوشه هایی از آن اشاره می کنیم.

آفت دوم: انحراف مردم بخاطر بی بصیرتی و عدم شناخت از حيله های دشمن یا پیروی نکردن از رهبران و تنها گذاشتن آنها.

آفت سوم: دشمن است و ابزارهای دشمن جنگ سخت نیمه سخت و جنگ نرم که نگارنده در عصر حاضر آن را ام المعمارک می دانم. با شناخت تهدیدها و آسیب ها و اقدام به موقع راه مقابله آسان و چشم انداز روشنی به دست می آید و این فرصت را در اختیارمان میگذارد تا با درک عمیق تر مسائل، بر اساس واقعیات و شرایط حرکت کرد و سیاست های خود را مبتنی بر نیازها تنظیم نماییم.

اینک به گوشه ای از این آفات اشاره می کنیم :

-تحریر؛

- افراط و تفریط که امام علی حول این خطر می فرماید « هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُجِبَّ غَالٍ وَ مُبْغِضٍ مُفْرَطٍ » دوطایفه در مورد من هلاک شدند، دوستدار غلو

کننده و دشمن افراطی. (طباطبایی، ۱۴۱۳، ۱۲۵)

- عدم آگاهی از زمان و بی بصیرتی

- علما و روشن فکران مرتجع؛ که در حقیقت همان رؤسا و پیروانشان در دو سنگر اصلی حوزه و دانشگاهند یعنی عالم دور از سیاست و روشنفکر وابسته به غرب

- عادات و تربیت های غلط

- ایجاد یأس چه با عدم معرفی اسلام ناب که منجر وارونه سازی دین می شود و چه با بزرگ جلوه دادن فرهنگ بیگانه

- وجود شکاف و تفرقه اندازی بین دو قشر حوزه دانشگاه؛

- فقر گرچه یکی از مصادیق آن فقر مادی و تنگی معیشت است ولی بالاترین مرحله آن جهل است. آنجائی که فرمود: «لا فقر اکبر من الجهل» فقری بالاتر از نادانی نیست.

- احساس ضعف ناشی از خود باختگی

- ایجاد شکاف و نزاع بین جناح های سیاسی؛ قومیت گرایی که منجر به ناامنی وجدایی مردم از حاکم

انحراف خواص؛

- تصدی امور به دست افراد نالایق

- خطر متحجران و مقدس نمایان

- خطر روحانیان وابسته

تعریف فرهنگ

مقوله «فرهنگ» نه تنها مهم تر از اقتصاد بلکه کلید واژه دیگر بخش هاست. (آمدی، ۱۳۸۵، ۱۵۳) مقام معظم رهبری در علت اهمیت فرهنگ، آن را به هوایی تشبیه کردند که چه بخواهیم چه نخواهیم باید تنفس کنیم. بنابراین اگر تمیز باشد یا آلوده، اثر متفاوتی را بر جامعه و کشور خواهد داشت. همه رفتارهای روزمره، عادات و «نگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» مردم از فرهنگ آنها الهام می گیرد و باورهای فرهنگی به همه مسائل و عرصه های دیگر سایه می اندازد. تمرکز استکبار بر فرهنگ ناشی از اهمیت فوق العاده این موضوع است. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۷۶، ۷۴)

اصول و مؤلفه های فرهنگ از نگاه امام و مقام معظم رهبری:

- اعتقادات عادات و عرف درست و نادرست هر قوم در هر جا

- توجه به دانش محوری که زمینه ساز استقلال همه جانبه است

- توجه به داشته های خود جهت بکارگیری در جهت شکوفایی

- مدیریت جهادی و شاخص های آن

- تهدیدها و آسیب های فرهنگی

جایگاه فرهنگ در منظومه فکری امام و مقام معظم رهبری از جایگاه والایی برخوردار است. به همین دلیل این واژه در فرمایشات و رهنمودهای آنان پررنگ است. لازم است مقوله فرهنگ به اجزای گوناگون تقسیم گردد. به همین منظور در گام نخست تلاش شده به تعریف و تقسیم فرهنگ ها و سپس به اصول، مؤلفه ها و شاخص های فرهنگی اسلام ناب و سپس عوامل و عناصر تهدید فرهنگ از نگاه آنان واکاوی شود. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۷۶، ۱۰۱)

اصول و مؤلفه های فرهنگ

اهمیت فرهنگ از دو جنبه برجستگی بیشتری دارد: جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت یک جامعه دارد نقشی که می تواند در پیشرفت و تعالی ایفا نماید. در بعد نخست، حوزه نفوذ فرهنگ به همه ابعاد زندگی بشر کشیده می شود و امام این مفهوم را با تصریح بیشتر چنین بیان می فرمایند: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد.» (نائینی، ۱۳۷۵، ۱۴۶) اساساً بدون وجود فرهنگ واحد، افراد تبعه یک کشور را نباید یک ملت نامید. لذا می توان گفت اساس هویت یک ملت فرهنگ است. این اهمیت والا همه ابعاد زندگی بشر در علوم و فنون، ادبیات، هنر، اخلاق، ارزش ها، باورها، رسوم، هنجارها، مناسک و حتی مصنوعات مادی ساخت بشر را در حیطه خویش جای داده. به عبارتی دیگر می توان گفت همه امور جوامع بستگی تام به فرهنگ آنها دارد.

وظایف مسوولان (حاکمیت و متولیان) جهت رشد عمومی فرهنگ اسلام ناب

- باور در تربیت پذیری انسان به عنوان مهم ترین رکن:
 - ضرورت مهندسی و مدیریت فرهنگی که در پناه آن میتوان به صیانت فرهنگی دست یافت
 - لزوم هدف گذاری و اولویت بندی در فعالیت های فرهنگی؛
 - پرهیز از افراط و تفریط؛
 - آگاهی بخشی عمومی و شناساندن راه های مقابله با جنگ نرم مهم ترین راهبرد فرهنگی دشمن؛
 - قانون گرایی و قانون مداری عملی متولیان
 - ضرورت پایه گذاری سبک زندگی ایرانی و اسلامی؛
 - هموار کردن و نشانه گذاری راههای رسیدن به خودباوری درمقابل خودباختگی؛
 - مبارزه با عرف، عادات و آداب قومی عادات، غیر مستند
 - ضرورت تبادل فرهنگی با جهان توام با نفی سلطه پذیری؛
 - پایه گذاری هویت اسلامی ایرانی؛ (دادگر، ۱۳۸۵، ۱۱۱)

اهمیت هدف گذاری و اولویت بندی در فرهنگ

یکی از اقدامات مهم، تدوین چشم انداز فرهنگی و ترسیم نقشه نیل به آن است. مهندسی صحیح فرهنگ بستر عدالت اجتماعی است و سبب آرامش دیگر موضوعات در این ساحل امن می شود. ایشان از فرهنگ به عنوان یک بخش مظلوم نام بردند و توجه به آن را برای مسئولان کشور لازم شمردند: «نکته بعدی که می خواهم سفارش کنم، این است که از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. واقعاً مسئله فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه ما با فرهنگ سازی حل می شود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه فرهنگی دارد کار می کند. از آنجا که انقلاب اسلامی انقلابی فرهنگی بود با توجه به استقلال ملی و قاعده نفی سبیل موفق گردید همه بنیان های فکری فرهنگ سلطه در جامعه را دگرگون سازد. با گذاری بر اندیشه های معمار انقلاب و مقام معظم رهبری محوریت فرهنگ به خوبی و آشکار می گردد. «عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی، صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی حوصلگی، اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت، تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیکاری و خمودی تحریک می کند فرهنگ ملی است» (کرمی، ۱۳۸۱، ۲۵۱) فرهنگ، شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است. من فرهنگ کشور را در سه عرصه مهم و عام مشاهده می کنم: اول در عرصه تصمیم های کلان کشور؛ همچون تصمیم های اقتصادی، سیاسی، دوم مدیریتی و سوم در تولید، وقتی می خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع، با این کار، فرهنگی را ترویج یا تولید می کنیم یا اشاعه می دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می کنیم، از این طریق، فرهنگی را تولید یا اجرا می کنیم. اگر در سیاست خارجی، مذاکره ای می کنیم و تصمیمی می گیریم، عیناً همین معنا وجود دارد. فرهنگ، یعنی خلاقیت و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت، تفکراتش، ایمانش، آرمان هایش، اینها تشکیل دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است؛ اینهاست که یک ملت را شجاع و غیور و جسور و مستقل می کند، یا سرافکننده و ذلیل و فرودست و خاک نشین و فقیر می کند.

ویژگی های فرهنگ

فرهنگ ها، با حرکتی کند و تدریجی، تغییر می کنند چرا که مبتنی بر اعتقاد و نگرش هر قوم است و تغییر ایندو امری بسیار مشکل است و باعث تحولات عمیق تری در لایه های زیرین جامعه مانند ارزش ها و عقاید می شوند. عوامل موثر در تغییرات فرهنگی عبارتند از:

۱- گذر زمان

۲- ادغام جمعیتی

۳- نوجویی و نوآوری (تنوع طلبی، ابداع) در تغییرات فرهنگی، عامل مؤثری می باشد. (ایروانی، ۱۳۷۷، ۳۲۰)

چیستی انقلاب اسلامی

حضرت نوح خطاب به قومش می فرماید: *أَمْرَتْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ* و اتفاقاً در ذیل آیه بعدی اشاره می کند به غرق شدن مخالفان نوح و نجات پیروانش ب: موسی در محاجه ی قومش نسبت به طغیان فرعون می فرماید: «اگر ایمان به خدا آورده اید بر او توکل کنید اگر مسلمانید» اینجا هم لفظ مسلمان برای قوم موسی آورده است. مجموعه دو آیه دلالت بر این دارد که اسلام و مسلمانی از ابتدای ارسال رسل مورد رضای حق تعالی بوده است. حتی در ۸ آیه بعد وقتی فرعون یقین پیدا می کند در حال غرق شدن است و همه ی راه های نجات بر او بسته شده می گوید «انا من المسلمین». این

یعنی فرعون هم می دانسته اسلام دین خدا بوده پس قرآن کریم تنها به مسلمانی کثیر پیاپی صراحتاً اشاره نکرده که در آن «ان الدین عندالله الاسلام»، بلکه تمام انبیاء اسلام را در کتب خویش به زبان آورده اند. وقتی به بخشی از زیارت پرمتوای وارث می نگریم می گوید «سلام بر تو ای وارث آدم، ای وارث نوح، وارث ابراهیم، وارث موسی و عیسی، ای وارث محمد و علی» گستردگی آن در تمامی پهنه ی تاریخ از حسین تا آدم است پس انقلاب اسلامی وارث فرهنگی است که از آدم شروع شده و به مهدی عج ختم می شود. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۵۲) ما باید با تمام افتخار و قدرت به انقلاب چنگ زده و شعار ولاء و براء (دوستی و دشمنی برای خدا) را بر پا داشته و شریعت و قانون خداوندی را حاکم کنیم و با دشمن کفر و نفاق دشمنی ورزیده و از آن‌ها بیزارى جوییم، چنان که آیات و احادیث بی شماری در این خصوص وارد شده است. چه اسلام آیینی غیرمحدود و جهان شمول و جامع است. به نرمی و مهربانی در جای و به جهاد و درشتی در جای دیگر فرا خوانده است. و سنت پیامبرص هم همین بوده. همان طور که ایشان مزین بود به انک لعلی و رحماء بینهم مجهز بود به اشد علی... و انقلاب اسلامی بزرگترین لطف خدا به بشریت در قرن بیستم بود. اَنَا أُوحِيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أُوحِيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّبْيِيْنُ مِنْ بَعْدِهِ. «ای رسول خدا ما به تو وحی (نازل) کردیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی (نازل) کردیم» (سوره نساء، آیه ۱۶۳)

اهمیت اسلام و ضرورت ترویج و نهادینه سازی دین باوری

از نظر معمارانقلاب از آنجا که اسلام جوهره؛ ماهیت و مبانی معرفتی انقلاب را تشکیل می دهد، هرگونه سیاست گذاری، باید از سرچشمه زلال دین نشئت و به ترویج و تعمیق نظام بینجامد. در منظومه فکری امام اسلام دینی کامل و جامع است؛ که برای برپایی قسط و عدالت نازل شده و از این رو، در ارتباطی تنگاتنگ با زندگی تمام لایه های جهان قرار دارد. مکتبی که بر خلاف دیگر مکانات، در تمام شئون فردی، مادی معنوی، فرهنگی سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ای، هرچند ناچیز در تربیت انسان و پیشرفت جامع فروگذار ننموده است. اسلام هدف زندگی اجتماعی را تحقق عدل و قسط و رساندن انسان به سعادت می داند که همه احکامش ابزاری برای اجرای حکومت و گسترش عدالت است. (آمدی، ۱۳۸۵، ۲۵۲) نکته کلیدی دین باوری جامعه است که به لحاظ محتوایی قبل از مرحله شناخت قرار می گیرد. دین باوری به مرحله ای از اعتقادات گفته می شود که افراد فطرتاً قبل از مرحله شناخت انرا دارا بوده و بعد از شناخت به باور قلبی در عمل رسیده اند. پرداختن به اقداماتی که بتواند باورهای دینی را در جامعه نهادینه و در زندگی فردی و اجتماعی ساری و جاری سازد. جز در پرتو توحید و اسلام ناب محمدی قابل تحقق نیست. از آفات و بیماری های اساسی کشورهای اسلامی و جهان سوم مرعوب شدن در مقابل فرهنگ و تمدن غرب است که سم کرخ کننده خود باختگی را در رگهای تفکر تزریق می کند، مصون دانستن غربی ها از اشتباه، و احساس نیاز و وابستگی میان برخی نخبگان آن قدر عمیق است که از فرهنگ و ارزش های خویش احساس حقارت می کنند. (توسلی، ۱۳۸۶، ۵۵)

خودباختگی معلول علل زیر می باشد:

الف) پیشرفت های مادی جهان غرب

ب) مصون دانستن غرب از اشتباه

ج) مرعوب شدن در مقابل پیشرفت ها

د) تصور ترقی به سبب گرایش به غرب

ه) القائات و عملیات روانی غرب بر ضد مستضعفین ویژه مسلمانان

و) تابلوی انقلاب اسلامی برای شعار (استقلال)

چرایی انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از تحولات شگرف و عظیم قرن بیستم به شمار می رود که با ویژگی های منحصر به فرد خویش، نه تنها بسیاری از تئوری پردازان پدیده انقلاب را شگفت زده کرد، بلکه در شالوده کاخ رفیع دانش اجتماعی و نظریات رایج پیرامون تبیین انقلاب ها نیز لرزه افکنده، آنها را در تبیین علل پیدایش و وقوع پیروزی انقلاب اسلامی، با چالش مواجه ساخت؛ تا آن جا که برخی در جهت حل این معما، دست به ارائه تحلیل ها و نظریات کاملاً غیرعلمی و خیال پردازانه زده، عجز و ناتوانی خویش را بیش از پیش آشکار ساختند. (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱۰۰)

چگونگی انقلاب

انقلاب مردم ایران که بهمن ۱۳۵۷ رخ نمود و طومار سلسله پهلوی را درهم پیچید، از آن جمله تحول ها و دگردیسی های اجتماعی بود که به دلایل عدیده همچون، ثبات ظاهری اوضاع سیاسی ایران اندک زمانی پیش از انقلاب، ماهیت مذهبی انقلاب، ناهمخوانی چگونگی و ناسازگاری چرایی انقلاب اسلامی با فرضیه ها و نظریه های رایج درباره کلیت و ماهیت انقلاب ها و... مورد توجه و عنایت افزون کاوشگران وادی تحولات سیاسی، جستجوگران

آوردگاه تاریخ و پژوهشگران عرصه علوم اجتماعی قرار گرفت. از این رهگذر، شمار بسیاری کتاب و مقاله درباره چند و چون انقلاب اسلامی نگاشته شد و تلاش گشت تا با تحلیلی نظری وجوه تمایز انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌های جهان درک گردد و به علت وقوع آن پی برده شود. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۳۶۵)

استقلال در انقلاب اسلامی

استقلال یکی از ۳ شعار اصلی انقلاب اسلامی بود که در اندیشه امام از اصل قاعده نفی سبیل گرفته شده است. یعنی بسته بودن راه تسلط بیگانگان بر مسلمانان. وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. این قاعده تحت هر شرایطی، مانع سیطره و تفوق غیر مسلمانان بر امت اسلامی خواهد شد. لذا کلیه راه‌هایی که احتمال سلب عزت و شرافت مسلمین را فراهم سازد، توسط این قاعده مسدود می‌شود و شعار اصلی انقلاب (نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی). در واقع، همین مسئله را بیان می‌کند. (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱۴۰) مهم‌ترین راهکار برای دستیابی، وحفظ و تقویت همه جانبه امور، در کلام حضرت کوتاه، جامع و کامل حضرت ختمی مرتبت لاله الا الله است، یعنی ابتدا نفی همه بتها، من جمله بت اعظم نفس کن و سپس به خدا ایمان آور. گام اول و دوم برای دست یابی به استقلال دومرحله ای است، اول نفی غیرخدا، دوم ایمان به خدا. آشنایی با مفاهیم دینی و تکیه بر فرهنگ خودی و توانایی های بومی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به رهایی از بحران وابستگی کمک کند. (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱۰۸) برنامه ها باید به گونه ای تدوین و اجرا شود که موجب آگاهی و بیداری مردم شود. تقویت بینش و معرفت دینی و ملی، روحیه بیداری و در نتیجه مقاومت در برابر نقشه های بیگانه به مشارکت و ایستادگی همه جانبه کمک کند.

ارزش و اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

۱- کار فرهنگی بالارزش تر است

در جای جای قرآن و روایات به طرق مختلف از این ارزش نام برده: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ چه سخنی نیکوتر از آن که کسی به سوی خدا دعوت کرده و کارهای شایسته می‌کند و می‌گوید البته که من از مسلمانانم. (سوره فصلت، ۳۳) گفتار درمانی و دعوت به یگانه پرستی، کاری فرهنگی و از بهترین کارهاست. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ارزش کسی که مردم را هدایت و به سوی خدا رهنمون می‌سازد می‌فرماید: «بِأَعْلَىٰ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَىٰ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ «ای علی اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده است برای تو بهتر است»

۲- هدایت یک نفر برابر با احیای جامعه است

در آیه شریفه ۳۲ سوره مائده چنین آمده وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس، دیگری را حیات بخشد، چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد. بالارزشترین احیا و زنده کردن، بنا بر تعبیراتی که در قرآن آمده هدایت به سوی حق است، یعنی احیای فکر.

۳- گمراهی جامعه و آدرس غلط دادن در موضوعات فکری و فرهنگی، ظلم مضاعف است

در آیه و حدیث با چند تاکید آمده که نشان از اهمیت آن دارد. مثلاً در آیه ۲۱ سوره مبارکه انعام است که «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؛ چه کسی ستمکارتر از آن است که به خدا دروغ می‌بندد. بنابراین آیه شریفه دروغ بستن به خداوند را «بزرگ ترین ظلم» شمرده و مصداق دروغ بستن به خدا را «قرار دادن شریک برای وی»، تلقی نموده.

۴- فعالیت‌های فرهنگی انبیا منت الهی بر مؤمنان است.

خداوند در آیه شریفه ۱۶۴ آل عمران می‌فرماید: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند، پاکشان گرداند و خواندن و نوشتن و حکمت به آنان بیاموزد. منت یعنی اعطای نعمتی گران بها از طرف شخصیتی بی نیاز و بی طمع و چنین کاری پسندیده و زیبنده است و جز از خدا و معصوم و افرادی خاص سر نزند اما منت ناپسند آن است که کار کوچک خود را با سخن، بزرگ جلوه دهی و به رخ افراد بکشی. بنابراین، چون هدایت مردم و نشان دادن راه‌های آن نعمت بسیار بزرگی است، خداوند بر مؤمنان منت گذارد با اینکه منت گذاشتن عملی مذموم و ناپسند است و کار خیر را کم ارزش می‌کند اما آیه شریفه این مورد را استثنا کرده و می‌فرماید چنین منتی بالارزش است. بنابراین کار فرهنگی به قصد هدایت ارزش منت پذیری را دارد و به قول مولوی «زانو آن دم زدن که تعلیمت کنند» رهبر انقلاب درباره اهمیت فرهنگ و نقش آن در ابعاد دیگر جامعه فرمودند: فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است. فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید. چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر تمیز باشد، آثاری در بدن شما دارد و اگر کثیف، آثار دیگری. با درایت و تیزبینی، چالش‌ها و مشکلات پیش روی جامعه ایرانی را رصد. استکبار بعد از شکست در

دیگر جبهه‌ها روی مسائل اقتصادی متمرکز شده و با وضع تحریم‌های سنگین نابودی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده. اینک به این رسیده است که، باید فرهنگ نیز مورد حمله قرار گیرد تا تحریم‌ها اثر خود را بگذارد.

ویژگی‌های کار فرهنگی از منظر آیات و روایات

۱- آغاز هر کاری با نام خدا باشد

خداوند در آیه سوره مبارکه علق می‌فرماید: «أَفْرَأَىٰ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید. به پیامبرش دستور می‌دهد که با نام خداوند قرآن را آغاز کند. و پیامبر [نیز در هر کاری چنین می‌کرد و جزو سیره و منش حضرتش بود. در روایتی امام حسن عسکری ع از پیامبر گرامی اسلام] نقل کرده است که: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدَكَّرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَيْبَرُ». هر کار مهمی که در آن بِسْمِ اللَّهِ گفته نشود ناقص و بی‌دنباله خواهد بود و به سرانجام نمی‌رسد.

۲- اول ثمره کار فرهنگی حیات معنوی است

آیه شریفه ۲۴ سوره انفال به نکته‌ای عجیب اشاره کرده «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی خدا ورسولش شما را به چیزی خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...؛ وقتی مخاطبین آیه مومنین زنده‌اند دیگر نیازی به حیات ندارند، چرا دوباره می‌فرماید به فراخوان خدا و رسول گوش کنید که به شما حیات می‌بخشد؟ پیام این است که اولاً غیر از حیات جسمی حیات دیگری هم هست و ثانیاً حیات مراتبی دارد و زنده می‌تواند زنده‌تر شود و نیز زنده‌ترین. بر اساس معارف اسلامی روح انسان، همانند جسم او، مرگ و حیات ویژه خود را دارد و چه بسا جسمی زنده ولی گرفتار مرگ روحی است. انسان‌هایی که دغدغه‌ای جز برآوردن نیازهای جسمی خود، ندارند، از این قبیلند. از طرفی در میان زندگانی که روحشان نیز زنده است کسانی هستند که هر روز زنده‌تر شده و یا برعکس به مرگ روحی نزدیک‌تر می‌شوند. بدین منظور می‌توان گفت اکثر دعوت‌های آسمانی از سنخ راهنمایی‌های فرهنگی است و از میان فعالیت‌های فرهنگی آنهایی سازنده‌تر و سودمندند که حیات معنوی انسان را هدف قرار دهند. به عبارتی دیگر، قرآنرا نیل به سعادت را بکارگیری فطرت سالم و عقل خدادادی شمرده و پیامبران را برای آموزش این دو معرفی کرده و این ابزارها همه‌اش از مقوله «فرهنگ» است. در واقع آموزه‌های پیامبران، فرهنگ بشریت را مخاطب قرار داده است. (علوی، ۱۳۸۳)

۳- محوریت کار فرهنگی

ابتدا نفی، مبارزه و طرد طاغوت است و بعد یگانه پرستی. در این رابطه آیه ۳۶ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ...؛ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ایم [تا بگویند]: «خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید... اصل ارسال رسل که کاری فرهنگی است دوری از طاغوت است و هر آنچه غیر از این باشد انحراف. دیگر کارها و موضوعات. مثل سرگرمی، تفریح، هیجان‌های کاذب و خشونت، فرع این موضوعند و در مواردی مصادیق فاصله گرفتن از کار فرهنگی مطلوب است.

۴- در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

در آیه دوم سوره مبارکه جمعه آمده است که: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان درس‌ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد... در این آیه تزکیه و تربیت بر آموزش و تعلیم مقدم داشته شده و بیانگر این است که تربیت از اهمیت بیشتری برخوردار است و آموزش، ابزاری برای رسیدن به تربیت. بنابراین، محور اصلی کار فرهنگی تربیت و تزکیه اخلاقی است تا بستری شود که انسان از آموزش سوءاستفاده نکرده و از علم در جهت اهداف غیرانسانی و غیرتوحیدی بهره‌نگیرد. علی ع می‌فرماید «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ أَمَامًا فَلَيْبُوا بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ» هر کس خویش را پیشوای مردم قرار می‌دهد باید تعلیم و تربیت را مقدم بر تعلیم دیگران قرار دهد.

۵- نتیجه کارهای فرهنگی دست خداست

خداوند در آیه شریفه ۵۶ سوره قصص می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...؛ در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند... منظور از هدایت راهنمایی کردن و نشان دادن راه نیست، بلکه رساندن به هدف مطلوب و قبول ایمان است و چنین هدایتی کار محض خداست. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «بُعِثْتُ دَاعِيًا وَمُبَلِّغًا وَ لَيْسَ إِلَيَّ مِنَ الْهُدَى شَيْءٌ». من (فقط) برای دعوت و رساندن (پیام) برانگیخته شدم و در کار هدایت، هیچ اختیاری ندارم.

۶- در کار فرهنگی باید استقامت داشت

در آیه شریفه ۱۱۲ سوره هود خداوند می فرماید: فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ...؛ پس، همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده (نیز چنین کند). در این آیه به پیامبر و همه مومنین به استقامت در راه تبلیغ و ارشاد و مبارزه با دشمن امر شده البته نه هر نوع مقاومت که او دستور داده نه آن گونه که هر گروه وفردی تمایل دارد. از ابن عباس نقل شده است که آیه ای بر رسول خدا [نازل نشد که سخت تر و پر مشقت تر از این آیه باشد. از همین رو، وقتی از حضرت پرسیدند چه زود پیروی در شما اثر کرد، فرمود: «شَبَّيْتَنِي هُوْدُ وَ الْوَاقِعَةُ؛ سوره هود و واقعه پیرم کرد منظور از سوره هود فقط همین یک آیه است.

۷- مباحث فرهنگی باید روان، همه پسند و آسان باشد

قرآن می فرماید: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ...؛ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان و روان گردانیدیم.

۸- کار فرهنگی را باید از نزدیکان شروع کرد

خداوند در آیه ۲۱۴ سوره مبارکه شعرا می فرماید: وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده. با نزول آیه بالا، پیامبر مأمور شد دعوتش را آشکار کند؛ زیرا تا قبل از آن، دعوت مخفیانه بود. بر اساس آیه باید دعوت را از خویشاوندان خودش شروع کند. امام علی^ع در این باره می فرماید: عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَ ادَّبُوهُمْ؛ خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید.

۹- کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

خداوند می فرماید: وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ به راستی، این گفتار (قرآن) را برای آنان بی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. اشاره باریتعالی در آیه شریفه ۵۱ سوره قصص که راه برای پند و دور از شرک این قرآن را پیوسته و بی وقفه در شکل های متنوع وعده پاداش، دوزخ، گناه نصیحت و اندروگاه استدلال عقلی بر مردم نازل کردیم تا آنان را به خود جذب کنند.

۱۰- بزرگداشت بزرگان: اقدامی فرهنگی

در آیه ۴۱ سوره مبارکه مریم است که: وَادُّكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ؛ و در این کتاب از ابراهیم یاد کن. یا وَادُّكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ؛ و در این کتاب از مریم یاد کن. خداوند در آیات متعدد به مناسبت از بزرگان دین و توحید یاد می کند. این یادآوری زنده کردن ارزش های معنوی و اخلاقی و همچنین معرفی الگو و سرمشق برای کسانی است که در جست و جوی اسوه می باشند. در حدیث پیامبر اکرم [درباره تجلیل از بزرگان می فرماید: إِنَّ مِنْ تَعْظِيمِ جَلَالِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَرَامَةِ ذِي الشَّيْبَةِ وَ حَامِلِ الْقُرْآنِ الْإِمَامِ الْعَادِلِ؛ احترام نهادن به ریش سفید و حافظ قرآن و پیشوای دادگر گونه ای بزرگداشت جلال و شکوه خداوند عزوجل است. پیامبر صلی الله علیه و آله ارج نهادن به این گروه را ارج نهادن به خداوند می داند. بنابراین، تکریم و نکوداشت بزرگان تجلیل از آرمان هایی است که این افراد برای آن تلاش کرده اند.

۱۱- از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد

در آیه شریفه ۱۷۱ سوره نساء آمده که: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛ ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و درباره خدا جز (سخن) درست مگویید. آیه، غلو در دین را نهی می کند؛ زیرا غلو به معنی نشان دادن چهره غیر واقعی (نسبت چیزهایی به خداوند که واقعیت ندارند). همان طور که تفریط و کم نمایی از دین جایز و سزاوار نیست، افراط در آن هم شایسته نخواهد بود. حیات آفرین چهره واقعی دین است نه ساخته افکار بشر. در امور فرهنگی نیز همین رویه درست است. در پروراندن یک سوژه فرهنگی نباید به شگردهای تبلیغاتی و تجارتي توسل جست و با بزرگ نمایی های بی منطق به دنبال جا انداختن آن بود. (همان)

۱۲- استقلال فرهنگی باید حفظ شود.

خداوند در آیه شریفه ۱۴۱ نساء می فرماید: وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر (زبان) مؤمنان، برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است. بر اساس این آیه خداوند هیچ راه تسلطی را برای کافران به زبان مؤمنان قرار نداده؛ نه از نظر نظامی نه سیاسی، نه اقتصادی، نه فرهنگی و نه هیچ راه دیگری. اگر در جامعه خلاف این واقع شده و مسلمین تحت سیطره بیگانگان قرار دارند به جهت این است که راه و رسم ایمان و وظایف و مسئولیت های خویش را فراموش کرده اند. علاوه بر آیه روایات عدیده نیز هم بر استقلال و زیر بار کفار نرفتن مسلمین نیز تأکید کرده اند. چنانکه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلْسَلَامٌ يُغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ؛ اسلام برتری می گیرد و چیزی بر آن برتری نمی گیرد». برای نشان دادن استقلال فرهنگی می توان به جریان تغییر قبله در زمان پیامبر [اشاره کرد. در آن برهه یهودیان مسلمانان را که به سوی بیت المقدس نماز می خواندند تحقیر و

تمسخر می کردند؛ که شما دین مستقل نداشته و به سوی قبله ما عبادت می کنید. خداوند با بیان آیه ۱۴۴ سوره بقره به پیامبرش راه هرگونه سلطه یهود بر مسلمانان را بست. بنابراین، برماست که به عنوان کشوری اسلامی و انقلابی استقلال را در همه جهات به ویژه فرهنگ را رعایت کنیم؛ زیرا اگر فرهنگ کشوری در سیطره بیگانگان قرار گیرد، دیگر ابعاد اجتماعی نیز از هجوم آنها در امان نخواهند ماند.

۱۳- متولیان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند

خداوند در آیه ۲۵ سوره مبارکه طه می فرماید: قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ گفت: «پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان». خداوند به موسی علیه السلام فرمان رفتن به سوی فرعون و ابلاغ رسالت می دهد ولی حضرتش درخواست شرح صدر، روح بزرگ، حوصله و استقامت از خدا می کند. شرح صدر؛ یعنی روح چنان بزرگ می شود که آمادگی پذیرش هر واقعیتی را دارد. از پیامبر [دربارۀ شرح صدر سؤال شد، فرمود: «توری است که خدا در قلب هر کس بخواهد، می افکند و در پرتو آن روح او وسیع و گشاده می شود. پرسیدند آیا نشانه ای دارد که با آن شناخته شود؟ فرمود: توجه به سرای جاویدان و دامن برچیدن از زرق و برق دنیا و آماده شدن برای پیش از آن که فرا برسد از نشانه های آن است.

۱۴- خوش اخلاق و نرم دل باشند

خداوند در آیه ۴ سوره مبارکه قلم می فرماید: وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خویی والاست. همچنین در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران دیگری می فرماید: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنَ خَوْلِكَ؛ پس به (برکت) رحمت الهی، با آنان نرم خو (و پرمهر) شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. آیات فوق نشان دهنده اخلاق نیکو و حسنه پیامبر گرامی اسلام [و نقش آن در جذب مردم به اسلام و دوری از شرک است. در برخی تفاسیر از این خلق نیکو به معجزه اخلاقی پیامبر تعبیر شده است و آن را از عوامل مهم پیروزی فرهنگی پیامبر [بر فرهنگ عقب مانده جزیره العرب و نواحی اطراف می دانند. در حدیثی از امام حسین علیه السلام است: «از پدرم امیرمؤمنان، علی علیه السلام درباره ویژگی های زندگی پیامبر [و اخلاق او سؤال کردم و پدرم به طور مفصل به من پاسخ فرمود. در بخشی از این پاسخ آمده است: با همشینانش دائماً خوش رو، خندان، سهل الخلق و ملایم بود. هرگز خشن و سنگ دل، پرخاشگر و بدزبان و عیب جو و مدیحه گر نبود، هیچ کس از او مأیوس نمی شد و هر کس به در خانه او می آمد، نومید باز نمی گشت. سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود. و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت و سرزنش نمی فرمود. از لغزش ها و عیوب پنهانی مردم جست وجو نمی کرد. هرگز سخن نمی گفت مگر در موردی که ثواب الهی را امید داشت. در موقع سخن گفتن به قدری نافذالکلمه بود که همه سکوت اختیار می کردند و تکان نمی خوردند و به هنگامی که ساکت می شد: آنها به سخن در می آمدند. هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی می کرد تحمل می نمود و به بارانش می فرمود: هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد به او عطا کنید. هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد.

۱۵- معرفتی در خور از دین داشته باشند

خداوند در سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۳ می فرماید: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ چرا از هر گروهی، دسته ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که از زشت کاری حذر کنند. در آیه به مسلمان اعتراض می شود که چرا عده ای از شهر خویش به سوی مدینه کوچ نمی کنند تا دین را فراگیرند و سپس به سوی قوم و دیار خود برگشته و آنها را انداز کنند، شاید آنها از کارهای زشت دست بکشند. بنابراین، حرکت برای تفقه دین و فراگیری علوم آن اعم از عقاید، اخلاق و احکام، امری لازم است تا اینکه در هر شهری عالم و متخصص دینی برای آگاهی و انوار مردم وجود داشته باشد. در روایات نیز بسیار بر فراگیری علوم دینی تأکید شده. امام صادق علیه السلام می فرماید: عَلَيكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَ لَا تَكُونُوا أَعْرَاباً فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُرَكَّ لَهُ عَمَلٌ؛ بر شما باد که در دین خدا دانشمند شده و صحرانگرد نباشید؛ همانا آن کس که در دین خدا دانشمند نشود خدا روز قیامت به او توجه نکند و کردارش را پاکیزه نشمارد. با توجه به اینکه اکثریت مردم کشور ما مسلمان و اهل دین هستند، متولیان امر فرهنگ نیز باید اطلاعات و شناخت خوبی از دین داشته باشند. هرگونه تصمیم و یا اجرای طرح فرهنگی در کشور، بدون اطلاع از ارتباط آن با دین در کشور مشکل ساز خواهد بود؛ زیرا فرهنگ در کشور ما هم سو با دین است و مورد تأیید آن است. فرهنگی که با دین در تعارض باشد، جایی در کشور ما ندارد. بنابراین، متولیان فرهنگی خود باید اسلام شناسانی قوی و کارکشته باشند یا حداقل با متخصصان دینی مشورت کند و از آنها راهنمایی بخواهد.

۱۶- افراد شجاع و باشهامت باشند

خداوند در آیه شریفه ۳۹ احزاب می فرماید: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛ همان کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. آیه شریفه یکی از ارکان تبلیغ اسلام را ترس از خدا توأمان با نهراسیدن از غیر او می داند. در

ص ۲۰۳ ارشاد القلوب آمده که در حدیث معراج به نقل از خداوند متعال که مَاعَرَفْتَنِي عَبْدَ وَحَشَعَهُ لَهٗ كُلُّ شَيْءٍ هَيْجَ بِنْدِهِ اِي مَرَا نَشَاخَتٍ وَدَر بَرَابَرِمِ خَاشِعٍ نَشَدَ مَغْرَ أَنْكَهٗ هَمَمَةُ اَشْيَاءٍ دَر بَرَابَرِ اَوْ خَشُوعُ كَرَدْنَدِ وَپِيَامِبِرِ « دَر رَاهِ خُدَا اَز سِرْزَنْشِ هَيْجِ سِرْزَنْشِ كَنْنَدِهٖ اِي تَرَسِ بَهٗ دَلِ رَاهِ مَدِهٖ.

منابع

- ۱- امامی، محمد مهدی. ۱۳۸۳. اندیشه های فقهی و سیاسی آیت الله گلپایگانی. قم. انتشارات ائمه علیهم السلام
- ۲- ارسطو، محمد جواد. ۱۳۷۷. مفهوم اطلاق در ولایت فقیه. موسسه آموزش باقرالعلوم. قم.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد تیمی، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ ش.
- ۴- ابن منظور مصری، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
- ۵- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ ش.
- ۶- توسلی، غلامعباس، جامعه شناسی کار و شغل، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
- ۷- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ ششم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
- ۸- حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاه، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
- ۹- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۰- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاعتمادی، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۱- خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۶. منظومه فکری امام. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ
- ۱۲- دادگر، یدالله و رحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الجامع الصغیر، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۴- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، الامالی، چاپ چهارم، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۵- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۶- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۷- فروند، ژولین، جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ دوم، تهران، انتشارات رایزن، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۸- قرضاوی، یوسف، دور القیم و الاخلاق فی الاقتصاد الاسلامی، چاپ اول، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۹- قرآن کریم
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۱- کرمی، محمد مهدی، و پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۲- مجتوبی نائینی، سید مهدی، فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی، چاپ اول، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۳- مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷. وحی و نبوت. قم. انتشارات صدرا
- ۲۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۵- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ۲۶- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۷- نائینی، محمد حسین. ۱۳۵۷. تنبیه الامه و تنزیه المله. به قلم ایت الله طالقانی
- ۲۸- نهج البلاغه